

روایت

تعمیر ویژه سایت گل از تیم ملی
برندهای به نام ایران

با پایان مرحله گروهی جام جهانی ۲۰۲۶، سایت GOAL در گزارشی به بررسی مهم‌ترین برندگان و بازندگان این مرحله پرداخت؛ گزارشی که در آن از تیم‌هایی مانند سه میزبان مسابقات، کی‌پ‌رود، قاره آفریقا، ستاره‌های بزرگ فوتبال و همچنین تیم ملی ایران به عنوان برندگان یاد شده است. در مقابل، تونس، ترکیه، مارسلو بیلسا، جیانی اینفانتینو و چند چهره دیگر در فهرست بازندگان قرار گرفته‌اند. اما در میان تمام این موارد، تعمیر گل از عملکرد تیم ملی ایران، با وجود حذف از رقابت‌ها، بیش از هر بخش دیگری جلب توجه می‌کند.

ایران؛ برندهای که حذف شد

سایت گل در اقدامی قابل توجه، ایران را با وجود ناکامی در صعود به مرحله حذفی، در فهرست برندگان مرحله گروهی قرار داده و نوشته است که حذف ایران، هم برای ایالات متحده و هم برای فیفا اتفاقی «راحت و مطلوب» بود؛ زیرا احتمالاً بسیاری فراموش خواهند کرد که تیم امیرقلعه‌نویی در این جام با چه شرایطی روبه‌رو شد.

در ادامه این گزارش آمده است که ایران صرفاً به دلایل سیاسی، آن‌گونه که امیرقلعه‌نویی توصیف کرده، «مظلوم‌ترین تیم تاریخ جام جهانی» بود. به نوشته گل، برنامه‌ریزی مسابقات باعث شد ملی‌پوشان ایران تنها اندکی پیش از دو مسابقه نخست خود به محل برگزاری بازی‌ها برسند؛ شرایطی که به شکل جدی روند آماده‌سازی تیم را مختل کرد. مهدی طارمی نیز پس از تسلوی ۲-۲ برابر نیوزیلند این وضعیت را «فاجعه» توصیف کرده بود.

گل معتقد است با وجود این مشکلات، ایران تنها «چند میلی‌متر» با صعود فاصله داشت؛ چراکه گل دقیق پاپانی شجاع خلیل‌زاده مقابل مصر، به دلیل آسایشی بسیار جزئی مردود اعلام شد.

این رسانه در ادامه تأکید می‌کند که اگر ایران مجبور به تحمل «بدترین شرایط ممکن» نمی‌شد، شانس بسیار زیادی برای حضور در مرحله حذفی داشت. حتی در بخشی از گزارش ادعا شده که ایران نخستین تیم تاریخ جام جهانی بوده که توسط یکی از کشورهای میزبان هدف حمله قرار گرفته است.

گل سپس به صحبت‌های امیرقلعه‌نویی پس از حذف اشاره می‌کند؛ جایی که سرمربی ایران از فیفا خواست اجازه ندهد چنین اتفاقاتی دوباره برای هیچ تیمی رخ دهد و از جیانی اینفانتینو خواست در برابر فشارهای آمریکا بایستد.

در ادامه، نویسنده گزارش با لحنی انتقادی می‌نویسد چنین انتظاری از رئیس فیفا بی‌بهره بود و او ترجیح خواهد داد در پایان مسابقات، تنها از «بهترین جام جهانی تاریخ» سخن بگوید.

با این حال، گل معتقد است هرچند آمریکا و فیفا تلاش خواهند کرد حضور ایران در این جام به فراموشی سپرده شود، اما بازیکنان تیم ملی با وجود تمام فشارها، اثر خود را بر جام جهانی گذاشتند.

این رسانه همچنین به بیانیه بازیکنان ایران پس از تسلوی بدون گل برابر بلژیک اشاره می‌کند؛ پیامی که در آن خواستار «ملح، احترام و دوستی میان همه ملت‌ها» شده بودند.

در پایان این بخش نیز جمله امیرقلعه‌نویی نقل شده است: «کاری که این جوان‌ها انجام دادند، در تاریخ نوشته خواهد شد».

دیگر برندگان و بازندگان

در دیگر بخش‌های این گزارش، سرمربی اکوادور سیباستین بکاسسه، قاره آفریقا، شگفتی بزرگ مسابقات یعنی کی‌پ‌رود و همچنین فوق‌ستاره‌هایی مانند لیونل مسی، کیلیان امپابه، وینیسیوس، لامین یامال و کریستیانو رونالدو در فهرست برندگان قرار گرفته‌اند. در سوی مقابل، تونس، ترکیه، مارسلو بیلسا و تیم ملی روگوشه از جمله بازندگان مرحله گروهی معرفی شده‌اند.

انتقاد شدید از اینفانتینو

گل در پایان گزارش خود، جیانی اینفانتینو، رئیس فیفا را یکی از بزرگ‌ترین بازندگان مرحله گروهی معرفی کرده و بسندت از نحوه برگزاری جام جهانی ۲۰۲۶ انتقاد کرده است. جام جهانی ۲۰۲۶ برخلاف شعارهای اینفانتینو، به جای «فراگیرترین»، به «انحصاری‌ترین» جام جهانی تاریخ تبدیل شده است.

بنیانگذار تاکتیک تیمی، بازی را فراموش کرده!

بزرگترین ناکام فوتبال جهان

گزارش یک

فرخ حسینی
خبرنگار

حذف زودهنگام اسکاتلند در جام جهانی ۲۰۲۶ و جدایی استیو کلارک از سمت سرمربیگری، برای کسانی که عملکرد این تیم را در مرحله مقدماتی دنبال کرده بودند، چندان غافلگیرکننده نبود.

اسکاتلندی‌ها در آن رقابت‌ها برای ارائه فوتبالی منسجم با مشکل مواجه بودند و تنها با یک پیروزی هیجان‌انگیز و تقریباً باورنکردنی ۴ بر ۲ مقابل دانمارک که حاصل گل‌هایی استثنایی و تکرارشدنی بود، توانستند جواز حضور در جام جهانی را کسب کنند.

اما با توجه به تاریخ این کشور در جام جهانی، این ناکامی حتی کمتر هم تعجب‌آور به نظر می‌رسد.

اسکاتلند سال‌هاست به تیمی تبدیل شده که شکست‌ها و ناامیدی‌های متوالی، بخشی از هویت فوتبالی‌اش شده است. هر بار که این تیم به یک تورنمنت بزرگ صعود می‌کند، موحی از امید با این جمله شکل می‌گیرد: «شاید این بار...»؛ امیدی که تقریباً همیشه به تکرار خاطرات تلخ گذشته ختم می‌شود.

این واقعیت از آن جهت تلخ‌تر است که اسکاتلند یکی از مهم‌ترین کشورهای تاریخ فوتبال به شمار می‌رود. این کشور حتی پیش از اسکاتلند، مفهوم فوتبال مبتنی بر پاس را به تکامل رساند. در اواخر قرن نوزدهم، زمانی که تیم‌های انگلیسی هنوز به دربی‌زنی فردی متکی بودند، فوتبال اسکاتلند به پایه بازی ترکیبی و پاسکاری شکل گرفته بود؛ سبکی که امروز به عنوان اصل بدیهی فوتبال مدرن شناخته می‌شود.

اسکاتلند همچنین در طول تاریخ، ستاره‌های بزرگی را به فوتبال جهان معرفی کرده است. اگر جایزه نوب طلا از زمان شکل‌گیری اتحادیه فوتبال اسکاتلند، هرچند انگلستان با شکست تاریخی یک بر صفر مقابل آمریکا تحقیر شد، اما دست‌کم از حضور در این تورنمنت تجربه‌ای ارزشمند به دست آورد. اسکاتلند در خانه ماند و هیچ درسی از فوتبال بین‌المللی نیاموخت. چهار سال بعد، اسکاتلند سرانجام جواز حضور در جام جهانی ۱۹۵۴ سوئیس را کسب کرد، اما باز هم تصمیمی عجیب گرفت. در حالی که قوانین اجازه همراه داشتن ۲۲ بازیکن را می‌داد، این تیم تنها با ۱۳ بازیکن، از جمله دو دروازه‌بان، راهی مسابقات شد.

دلیل این تصمیم حتی عجیب‌تر بود: اتحادیه فوتبال اسکاتلند ترجیح داد به جای تکمیل فهرست بازیکنان، اعضای کمیته و حتی همسران آنها را به سوئیس ببرد. اندی بیٹی، سرمربی تیم که از این سطح از بی‌نظمی و غیرحرفه‌ای‌گری خشمگین شده بود، پس از نخستین مسابقه از سمت خود استعفا کرد.

چهار سال بعد، در جام جهانی ۱۹۵۸ سوئد نیز شرایط تفاوتی نداشت. اسکاتلند هر سه دیدار خود برابر یوگوسلاوی، فرانسه و حتی پاراگوئه را واگذار کرد و خیلی زود از مسابقات کنار رفت.

اسکاتلند

سهام بزرگی در پرورش مربیان افسانه‌ای فوتبال داشته است. از میان ۱۳ مربی‌ای که دست‌کم سه بار قهرمان لیگ فوتبال انگلستان شده‌اند، پنج نفر اسکاتلندی بوده‌اند: جورج رمزی، مت بازی، بیل شتکلی، سر کنی داگلیش و سر الکس فرگوسن؛ نام‌هایی که هر یک تأثیر عمیقی بر تاریخ فوتبال گذاشته‌اند.

از سلطه بر فوتبال اروپا تا انزوا

اسکاتلند نه تنها بازیکنان و مربیان بزرگی به فوتبال جهان معرفی کرده، بلکه یکی از افسانه‌های ترین تیم‌های تاریخ فوتبال اروپا را نیز ساخته است. در سال ۱۹۶۷، سلتیک با تیمی که به «شیرهای لیسبون» مشهور شد، قهرمان جام باشگاه‌های اروپا شد؛ تیمی که هر ۱۱ بازیکن ترکیب اصلی آن در شعاع ۳۰ مایلی شهر گلاسگو متولد شده بودند. در سطح باشگاهی، فوتبال اسکاتلند توان فتح اروپا را داشت. این کشور بازیکن می‌ساخت، مربی می‌پروراند و از نظر فنی مسیر درستی را طی می‌کرد.

اما در سطح ملی، داستان کاملاً متفاوت بود. اسکاتلند با وجود تمام این ظرفیت‌ها، همواره در ساختن تیمی که بتواند با قدرت‌های بزرگ فوتبال جهان رقابت کند، ناکام ماند. این ناکامی به بخشی از هویت فوتبالی این کشور تبدیل شده و ریشه آن را می‌توان در ترکیب دو عامل دانست: وسواس تاریخی نسبت به انگلستان و تصمیم‌های اشتباه اتحادیه فوتبال اسکاتلند.

در نخستین سال‌های رقابت میان اسکاتلند و انگلستان، که مهم‌ترین تقابل فوتبال ملی جهان محسوب می‌شد، اسکاتلندی‌ها معمولاً دست بالا را داشتند. در واقع، تا دهه ۱۹۷۰ طول کشید تا انگلستان از نظر تعداد پیروزی در بازی‌های رودرو از همسایه شمالی خود پیشی بگیرد. با این حال، تفاوت اصلی در نحوه اداره فوتبال دو کشور بود. فوتبال حرفه‌ای از سال ۱۸۸۵ در انگلستان قانونی شد، اما اتحادیه فوتبال اسکاتلند چندین بار با حرفه‌ای شدن مخالفت کرد و سرانجام تازه در سال ۱۸۹۳ آن را پذیرفت. این تأخیر هشت‌ساله ضربه سنگینی به فوتبال اسکاتلند وارد کرد، زیرا بسیاری از بهترین بازیکنان این کشور برای کسب درآمد راهی باشگاه‌های

انگلیسی شدند. حتی برای مدتی، این بازیکنان که به جنوب مرز رفته بودند، به عنوان «خان» شناخته می‌شدند و اجازه حضور در تیم ملی را نداشتند. نضاد این برتری فوتبالی را می‌شد در دیدار سال ۱۸۹۵ میان هارنس، قهرمان اسکاتلند و ساندلند، قهرمان انگلستان، مشاهده کرد؛ مسابقه‌ای که از آن به عنوان «قهرمانی جهان» یاد می‌شد. جالب اینکه هر ۲۲ بازیکن حاضر در میدان اسکاتلندی بودند و ساندلند با نتیجه ۵ بر ۳ پیروزی رسید. فوتبال اسکاتلند همچنان منبع اصلی استعدادها اضافه‌شده ضربه سنگینی به فوتبال اسکاتلند وارد کرد، زیرا بازیکنانش برای ادامه مسیر حرفه‌ای به انگلستان مهاجرت کردند. در همان دوران، فوتبال انگلستان

بارها تلاش کرد باشگاه‌های اسکاتلندی را وارد ساختار رقابت‌های خود کند. باشگاه کوئینز پارک، قدرت برتر فوتبال اسکاتلند، در دهه ۱۸۸۰ در جام حذفی انگلستان شرکت کرد و حتی دو بار به فینال رسید، اما اتحادیه فوتبال اسکاتلند در نهایت حضور این تیم در مسابقات انگلیس را ممنوع کرد. داستان مشابهی نیز درباره ویلیام مک گرگور، مدیر اسکاتلندی باشگاه استون ویلا و بنیانگذار لیگ فوتبال انگلستان، رخ داد. او علاقه داشت باشگاه‌های اسکاتلندی را نیز به لیگ تازه‌تأسیس خود اضافه کند، اما بار دیگر اتحادیه فوتبال اسکاتلند مانع این اتفاق شد. البته می‌توان استدلال کرد که این تصمیم‌ها با هدف حفظ



استقلال فوتبال اسکاتلند اتخاذ شده بود. از نظر تئوری، فاصله گرفتن از فوتبال انگلستان حتی می‌توانست یک مزیت باشد، زیرا فوتبال انگلیس در نیمه نخست قرن بیستم به شدت خودمحور بود و از پذیرش ایده‌ها و پیشرفت‌های تاکتیکی سایر کشورها خودداری می‌کرد. اما آنچه در عمل رخ داد، نتیجه‌ای کاملاً معکوس داشت. اسکاتلند به جای اتخاذ نگاهی بین‌المللی‌تر، حتی از انگلستان نیز منزوی‌تر شد؛ رویکردی که باعث شد فوتبال این کشور به تدریج از جریان اصلی پیشرفت فوتبال جهان عقب‌ماند و تیم ملی آن هرگز نتواند از ظرفیت عظیم فوتبال باشگاهی و استعدادهای فراوانش بهره کامل ببرد.

تصمیم‌های اشتباه و فرصت‌های از دست رفته

در سال ۱۹۶۰ نیز زمانی که نخستین دوره مسابقات قهرمانی اروپا برگزار شد، اسکاتلند یکی از معدود کشورهایی بود که اصلاً در این رقابت‌ها شرکت نکرد. در حالی که انگلستان، ولز، ایرلند و ایرلند شمالی پس از مشاهده موفقیت نخستین دوره، از سال ۱۹۶۴ وارد در مسابقات شدند، اسکاتلندی‌ها حتی زحمت ثبت‌نام را هم به خود ندادند.

اگرچه رقابت‌های قهرمانی اروپا در آن زمان بسیار کوچکتر از امروز بود و مرحله نهایی تنها با حضور چهار تیم برگزار می‌شد، اما این تصمیم نیز نشانه دیگری از بی‌توجهی فوتبال اسکاتلند به رقابت‌های بین‌المللی بود. نتیجه این رویکرد، عقب‌ماندگی بیشتر بود. اسکاتلند نتوانست به جام‌های جهانی ۱۹۶۲، ۱۹۶۶ و ۱۹۷۰ راه پیدا کند؛ در حالی که انگلستان با فوتبال روز دنیا همگام شد، در سال ۱۹۶۶ خانه قهرمان جهان شد و چهار سال بعد نیز یکی از مدعیان اصلی دفاع از عنوان قهرمانی بود.

بسیار کمی انجام دادند. آن هانسن تنها ۲۶ بازی ملی داشت، چارلی نیکولس ۲۰ بازی و اندی گری نیز فقط ۲۰ بار پیراهن اسکاتلند را پوشید. در سال‌های اخیر نیز بازیکنانی مانند چارلی آدام، جیمز مک‌آرتور و مت ریچی با وجود کیفیت بالا، هرگز جایگاه ثابتی در تیم ملی پیدا نکردند.

اسکاتلند امروز به تیمی تبدیل شده که تنها امیدوار است شگفتی خلق کند، در حالی که با جمعیتی ۵.۵ میلیون نفری می‌توانست جایگاهی مشابه ارگوتو با کرواسی در فوتبال جهان داشته باشد؛ همان‌گونه که نیوزیلند با جمعیتی مشابه، قدرت سنتی راگی جهان است.

حتی رفتار هواداران و واکنش استیو کلارک در یورو ۲۰۲۴، زمانی که پس از حذف مقابل مجارستان از ملیت آرزوتینی داور مسابقه انتقاد کرد، از نگاه نویسنده بازتاب همان ذهنیتی است که بیش از ۱۵۰ سال فوتبال اسکاتلند را تحت تأثیر قرار داده است؛ ذهنیتی که بیش از حد درگیر رقابت با انگلستان بوده و هرگز نتوانسته خود را با ماهیت بین‌المللی فوتبال مدرن تطبیق دهد.

عکس نوشت

1



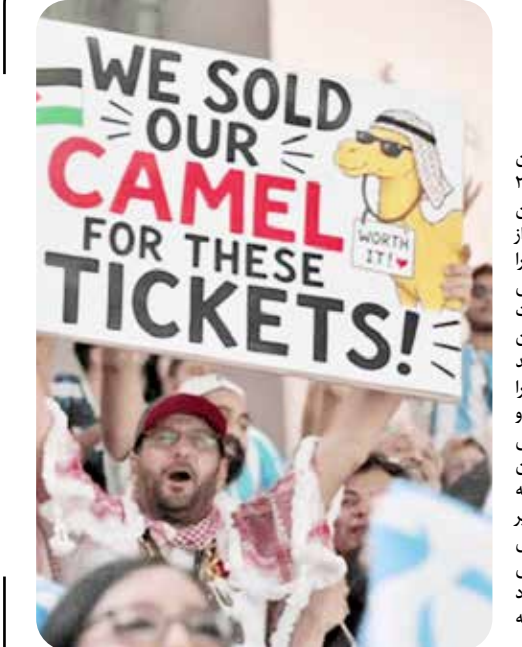
کریستیانو رونالدو در جریان بازی پرتغال مقابل کلمبیا در جام جهانی ۲۰۲۶، یک جفت کفش مخصوص نایکی مرکوربال سوپر فلا ۱۱ با عنوان «عقرب طلایی» به پا کرد. این طرح اختصاصی به عنوان ادای احترامی به دستاورد تاریخی او در گلزنی در شش دوره مختلف جام جهانی فیفا انجام شده بود، که یک نقطه عطف رکوردشکنی در فوتبال بین‌المللی به شمار می‌رود. با وجود هیاهوی قبل از بازی در مورد این کفش‌های نسخه محدود، رونالدو فقط در ۴۵ دقیقه ابتدایی بازی از نسخه عقرب طلایی استفاده کرد. پس از استراحت نیمه‌ها، کفش‌های قبلی خود بریک‌اوت نایکی مرکوربال سوپر فلا ۱۱ (رابه با کرد،

2



دلورس، مادر کریستیانو رونالدو، با پیامی احساسی به فیفا گفت: «من بسیار مفتخرم که سپرم همچنان به تاریخ‌سازی ادامه می‌دهم. می‌خواهم از تمام هوادارانی که همیشه در کنار شما بوده‌اند تشکر کنم. شما به جهان چیزهای زیادی می‌دهید. یک بوسه بزرگ برای تو، پسر. مادرت همیشه در کنار تو خواهد بود. همچنین می‌خواهم از همه کسانی که به او احترام می‌گذارند تشکر کنم. از همه هواداران پرتغالی سپاسگزارم. عشق‌هایم را برایتان می‌فرستم. فوتبال همیشه در قلب من و قلب همه باقی خواهد ماند. بیا، پرتغال! عشق‌هایم را برایتان می‌فرستم.»

3



دیدار تیم‌های ملی آرزوتین و اردن در جام جهانی ۲۰۲۶ که با پیروزی ۳ بریک آرزوتین به پایان رسید، صحنه یکی از جالب‌ترین تصاویر سکوها به خود اختصاص داد. گروهی از هواداران اردنی با در دست داشتن پلاکاردی که روی آن نوشته شده بود: «برای خرید فوتبال اسکاتلند را فروختیم!» توجه عکاسان و کاربران شبکه‌های اجتماعی را به خود جلب کردند. این جمله که با جاشنی طنز نوشته شده بود، به افزایش چشمگیر قیمت بلیت‌های جام جهانی ۲۰۲۶ اشاره داشت؛ موضوعی که در هفته‌های اخیر انتقاد بسیاری از هواداران فوتبال را به دنبال داشته است.